

## دکتر دانیل کی. دارکو، انجیل لوقا، جلسه ۲۳، گفتگوهای زمان صرف غذا در مورد پادشاهی، لوقا ۱۴

دن دارکو و تد هیلدبرانت © 2024

من دکتر دانیل کی. دارکو هستم در حال تدریس در مورد انجیل لوقا. این جلسه ۲۳، سخنرانی‌های زمان صرف غذا در مورد پادشاهی، لوقا ۱۴ است.

به مجموعه سخنرانی‌های آموزش الکترونیکی کتاب مقدس در مورد انجیل لوقا خوش آمدید.

پس از سخنرانی‌های قبلی که در آن‌ها عیسی شاگردان را در مورد معنای واقعی شاگردی به چالش کشید و اعلامیه نبوی او برای دعوت مردم به توبه، اکنون به فصل ۱۴ می‌پردازیم که در آن عیسی را در موقعیت‌های مختلف هنگام صرف غذا و چیزهای مختلفی که از آن موقعیت‌های هنگام صرف غذا ناشی می‌شوند می‌بینیم. در اینجا، در این فصل خاص، که سعی خواهیم کرد آن را در یک فایل صوتی قرار دهیم، سعی خواهیم کرد برخی از برخوردهایی را که عیسی هنگام پایه‌گذاری چگونگی رسیدگی پادشاهی به فقرا و حاشیه‌نشینان و مواردی که جامعه ممکن است بی‌اهمیت بداند، داشته است، به شما نشان دهیم. همانطور که ممکن است به یاد داشته باشید، در یکی از سخنرانی‌های قبلی، توجه شما را به آن زنی که ۱۸ سال بیمار بود و در کنیسه شفا یافت، جلب کردم و حاکم کنیسه با این موضوع مشکل داشت.

در اینجا ما به دیدن عیسی در صحنه‌ی صرف غذا ادامه می‌دهیم، اما قبل از آن، اجازه دهید برای اولین بار چند نکته را که از نظر فرهنگی مرتبط هستند، در مورد صحنه‌های صرف غذا در انجیل لوقا، بیان کنم. فکر کردم شاید این موقعیت خاص، مکان بسیار خوبی را برای بررسی این موضوع فراهم کرده است. اول اینکه صرف غذا در قرن اول، از کارکردهای اجتماعی بسیار مهمی بود.

برای وعده‌های غذایی، به خصوص وقتی که فراتر از زمان سنتی غذا خوردن افراد برای دعوت از غریبه‌ها به صحنه می‌رود، این امر به بخش بسیار مهمی از تعریف کسانی تبدیل می‌شود که خانواده به آنها اعتماد دارد کسانی که خانواده می‌خواهد آنها را به فضای خود دعوت کند، کسانی که خانواده مایل به دانستن بیشتر درباره آنهاست. هم میزبان و هم مهمان این را یک حرکت محترمانه می‌دانند و آن را بسیار بسیار جدی می‌گیرند. وقتی می‌بینیم که عیسی با فریسیان غذا می‌خورد، مهم است که بدانیم هر زمان که عیسی به وعده‌های غذایی با فریسیان دعوت می‌شود، کسی او را به جمع گروهی دعوت می‌کند که در آنجا فریسیان بیشتری حضور خواهند داشت.

در واقع، این نقش اجتماعی را ایفا می‌کند که کسی میزبان عیسی به عنوان مهمان افتخاری است و از جانب عیسی این حس افتخار را دارد که در زمان صرف غذا با مردم شرکت کند. با این اوصاف، اغلب اتفاق می‌افتد که وقتی عیسی با فریسیان در زمان صرف غذا است، لوقا دوست دارد گروه دیگری، نوموس، یا وکلا را توصیف کند. آنها نیز ممکن است آنجا باشند و هر زمان که لوقا به حضور وکلا در کنار فریسیان اشاره می‌کند، همیشه درگیری‌ای را که در زمان صرف غذا پیش می‌آید، نشان می‌دهد.

بنابراین، گردهمایی عیسی با فریسیان برای صرف غذا را به عنوان یک رویداد درون گروهی در نظر بگیرید. کسانی که خارج از گروه هستند، به چنین مکانی دعوت نمی‌شوند، علیرغم آیین‌هایی که بخشی از وعده‌های غذایی با فریسیان است، مانند آیینی که در گذشته دیدیم که دست خود را در آب فرو می‌کنند تا شستشو دهند. برخی از محققان، گفتگوی هنگام غذا با عیسی و فریسیان را با توجه به سمپوزیوم یونانی-رومی، به عنوان مثال، جایی که مردم ملاقات می‌کنند، غذا می‌خورند، تبادل نظر می‌کنند، بحث می‌کنند، ایده‌های فکری

خود را به اشتراک می‌گذارند و تقریباً به روشی بسیار خوب دانشگاهی، اگر دوست دارید، بنشینید و افکار عالی خود را به اشتراک بگذارید و از به اشتراک گذاشتن دانش با یکدیگر بهره‌مند شوید، در نظر گرفته‌اند.

ممکن است کسی آن را اینگونه ببیند، اما نباید از این واقعیت غافل شد که فریسیان در یهودیت معبد دوم، یک گروه مذهبی بودند. همچنین، همانطور که به متنی که به زمان غذا خوردن می‌پردازد، می‌پردازم می‌خواهم دوباره توجه شما را به فرهنگ آبرو و شرم جلب کنم. در این فرهنگ، آبرو بسیار مهم است و شرم چیز بزرگی است.

بنابراین، مهمان محترم بودن یا شرم‌منده کردن کسی در ملاء عام واقعاً بسیار مخرب است. ما عیسی را در کنار فریسیان در زمان صرف غذا خواهیم دید، و این فضا به جایی تبدیل می‌شود که فضای محترمانه‌ی بده بستان بین میزبان و مهمان می‌تواند در واقع به لحظات ناخوشایند درگیری و اختلاف تبدیل شود. یکی از کارهایی که معمولاً زمان صرف غذا انجام می‌دهد، تقویت پیوندهای بین کسانی است که از قبل در یک گروه خودی هستند و فرصتی برای اعضای آینده‌ی آن گروه ایجاد می‌کند تا بیایند و اگر دوست دارند، گروه آنها را بررسی کند.

با در نظر گرفتن این درک مختصر از زمان غذا خوردن در دنیای یونانی-رومی، بیایید به لوقا فصل ۱۴، آیه ۱ برویم و من از آیات ۱ تا ۶ آن را می‌خوانم. در روز سبت، هنگامی که او برای صرف غذا به خانه یکی از بزرگان فریسیان رفت، آنها با دقت او را زیر نظر داشتند و ناگهان مردی در مقابل او بود که گناه را ترک کرده بود و عیسی در پاسخ به فقها و فریسیان گفت: آیا شفا دادن در روز سبت جایز است یا نه؟ اما آنها سکوت کردند. سپس او را گرفت و شفا داد و روانه کرد.

و از ایشان پرسید: کدام یک از شما گاوی دارد که در روز سبت در چاه افتاده است، آیا فوراً آن را بیرون نمی‌آورد؟ و آنها نتوانستند به این چیزها پاسخ دهند. در اینجا، توجه شما را به صحنه صرف غذا، همانطور که در متن می‌بینید، جلب می‌کنم. یکی از رهبران فریسیان، عیسی را دعوت کرده بود، با این تصور که فریسیان بیشتری در این جمع هستند. آیه ۳ توجه ما را به این واقعیت جلب می‌کند که در آنجا حقوقدانان و فریسیانی هستند که عیسی در این موقعیت خاص با آنها صحبت خواهد کرد.

ما در مورد مردی که دچار آب آوردن شکم است مطمئن نیستیم. اینکه او فریسی بوده یا نه، مشخص نیست، اما این سوال مطرح است که عیسی چه زمانی این مرد را شفا خواهد داد. با نگاهی دقیق به سخنرانی می‌بینم که این یک گردهمایی فریسیان بوده و اتفاقاً این گردهمایی در روز سبت بوده است.

توجه داشته باشید که روز سبت قبلاً در گفتمان لوقا مطرح شده است، که نشان می‌دهد هر زمان که عیسی در روز سبت شفا می‌داد، توسط فریسیان یا حاکم کنیسه به عنوان کار کردن تلقی می‌شد و اغلب به این معنا مورد استقبال خوبی قرار نمی‌گرفت. معاشرت در اینجا مختص حلقه داخلی است، بنابراین توجه داشته باشید که وقتی عیسی مهمان بود، قرار بود به عنوان نشانه‌ای از احترام به میزبان، از میزبان اطاعت کند حضور وکلا و فریسیان، همانطور که قبلاً اشاره کردم، نشان می‌دهد که در واقع، درگیری وجود خواهد داشت.

مردی که شفا یافت، آبریزش داشت. شاید پرسید آبریزش چیست؟ برای انگلیسی زبانان، این موضوع شاید مسئله‌ای نباشد، اما برای کسی مثل من که زبان مادری‌اش انگلیسی نیست، باید بگویم آبریزش یکی از مواردی است که برای درک آن به دانش بیشتری نیاز داشتم. آبریزش زمانی رخ می‌دهد که نوعی مشکل پوستی وجود داشته باشد و نوعی مایع در پوست جمع شود و این باعث التهاب شود.

در برخی موارد، آب آوردن می‌تواند منجر به جذام شود یا به آن منجر شود. بنابراین، یک بیماری پوستی را تصور کنید که به خودی خود می‌تواند یک عنصر ناپاک در برخورد با فریسیان باشد. با در نظر گرفتن این فکر، بیایید به خواندن آیه ۷ ادامه دهیم تا ببینیم لوقا چه چیزی را با ما در میان می‌گذارد.

حالا، او برای دعوت شدگان مثلی گفت. آن مثل‌هایی است که عیسی در هنگام صرف غذا بیان می‌کند. وقتی متوجه شدید که چگونه جایگاه ویژه را انتخاب می‌کنند، به آنها بگویید، وقتی کسی شما را به عروسی دعوت می‌کند، در جایگاه ویژه نشینید، مبادا کسی برجسته‌تر از شما توسط او دعوت شود.

و آن که شما دو نفر را دعوت کرده، خواهد آمد و به شما خواهد گفت، جای خود را به این شخص بدهید و آنگاه شما با شرمندگی شروع به نشستن در پایین‌ترین جایگاه خواهید کرد. اما وقتی دعوت شدید، بروید و در پایین‌ترین جایگاه بنشینید تا وقتی میزبانان آمد، به شما بگویند، ای دوست، بالاتر برو.

آنگاه در حضور همه کسانی که با تو بر سر سفره نشستند، سرافراز خواهی شد. هر که خود را بزرگ جلوه دهد، خوار خواهد شد. و هر که خود را فروتن سازد، سرافراز خواهد گردید.

آیه ۱۲. وقتی این را به مردی که او را دعوت کرده بود گفت، به مردی که او را دعوت کرده بود این را گفت، وقتی شام یا ضیافتی می‌دهی، دوستان یا برادران یا خویشاوندان یا همسایگان ثروتمند خود را دعوت نکن، مبادا آنها نیز در عوض تو را دعوت کنند و پاداش بگیری. اما وقتی ضیافتی می‌دهی، فقرا، معلولان، لنگان و نابینایان را دعوت کن و تو مبارک خواهی بود زیرا آنها نمی‌توانند تو را جبران کنند، زیرا در روز رستخیز عادلان پاداش خواهی گرفت.

نکات سریعی که باید در این متن خاص مشاهده کرد. در اولین باری که عیسی در مورد نشستن در جایگاه افتخار صحبت می‌کند، عیسی چیز جدیدی نمی‌گوید که نویسندگان حکمت در گذشته نگفته‌اند. همیشه بهتر است که ارتقا پیدا کنید تا اینکه تنزل رتبه پیدا کنید.

در فرهنگی که آبرو و شرمساری حکمفرماست، جایگاه فرد بر سر میز یا ضیافت، جایگاه اجتماعی او را نشان می‌دهد. به عبارت دیگر، همانطور که در آمریکا، بریتانیای کبیر یا هر جای دیگر جهان می‌گوییم، ما میزهای بلند داریم و جاهای دیگر هم داریم. منظور عیسی این است که در گروهی از مردم، یعنی فریسیان و حقوقدانانی که شیفته‌ی وجهه‌ی عمومی هستند، باید درک کنند که وقتی کسی به ضیافت عروسی دعوت می‌شود، مهم است که در پایین‌ترین جایگاه قرار گیرد و به جایگاهی بالاتر ارتقا یابد تا اینکه برای خود جایگاهی بالاتر قائل شود و در جایگاهی بنشیند و سپس تنزل مقام یابد، بدون اینکه بداند اینجا مسئله‌ی آبرو و شرمساری مطرح است.

عیسی می‌گوید جایی را انتخاب کنید که شأن و مقام را به نمایش نگذارد، و به مقام والای خود خواهید رسید. در مثال دوم، وقتی او رو به میزبان ضیافت می‌کند، متوجه می‌شوید که عیسی در اینجا سعی در انجام چه کاری دارد. او به شأن و بخش دیگر آن فرهنگ، یعنی فرهنگ مهمان‌نوازی، که در آن عنصر عمل متقابل بخشی از مهمان‌نوازی است، متوسل می‌شود.

افراد بزرگ، افراد مهم، افراد خاصی را دور خود جمع می‌کنند تا در ضیافت از آنها تجلیل کنند، زیرا می‌دانند که آنها نیز ناخودآگاه به آنها مدیون هنجار متقابل هستند، زیرا ممکن است به چنین گردهمایی دعوت شوند. عیسی میزبان خود را به دو دلیل به چالش می‌کشد. یکی در مورد ترتیبات شهری است

دو، کسانی که به یک ضیافت مهم دعوت می‌کنید. در در دوم، وقتی او به اینکه چه کسی را دعوت کند، اشاره می‌کند، می‌تواند به راحتی حضار آنجا، یعنی فریسیان و حقوقدانان را ناراحت کند. عیسی گفت: افرادی را که مثل شما هستند دعوت نکنید زیرا آنها شما را دعوت خواهند کرد.

آنها طبق رسم متقابل در فرهنگ مهمان‌نوازی، لطف شما را جبران خواهند کرد. از افرادی که نمی‌توانند جبران کنند دعوت کنید. سپس او از افراد خاصی نام می‌برد که باید آنها را بسیار معذب کند.

اینها افرادی هستند که آنها از آنها بیزارند و دوست ندارند آنها را سر سفره خود داشته باشند. او به میزبان می‌گوید، فقرا، معلولان، لنگان و نابینایان را دعوت کن و تو برکت خواهی یافت زیرا آنها نمی‌توانند محبت تو را جبران کنند. وای.

می‌بینید، حالا عیسی برای نشان دادن مشارکت اجتماعی به چالش مستقیم توبه روی آورده است. و اینجا، به شیوه‌ی لوکان، لوقا می‌خواهد نشان دهد که فقرا و حاشیه‌نشینان بخش‌های جدایی‌ناپذیر کاری هستند که خدا در پادشاهی خدا انجام می‌دهد. قانون نانوشته فرض شده است.

متوجه شدم که نشستن و جایگاه در میز شام دست نخورده باقی مانده است. آنها در همان گردهمایی، آن را به عنوان جایگاهی می‌دانند که افراد در مکان‌های خاصی برای کسب افتخار می‌نشینند. و بنابراین، گفته عیسی تقریباً در مقابل آنها به تصویر کشیده می‌شود.

آنها این را درک می‌کردند. دعوت عیسی به نجابت و ادب، چیزی را در فریسیان برمی‌انگیزد. اکنون میل آنها به کسب احترام، به چالش کشیده شده است تا در پادشاهی خدا، فروتنی پیشه کنند.

موضعی که در اظهارات بعدی به جایی می‌رسد که حتی این واقعیت را زیر سوال می‌برد که آنها افراد حاشیه‌نشین را سر میز غذا می‌آورند. می‌بینید، عیسی می‌خواست به این فریسیان و حقوقدانان نشان دهد که ترفیع و احترام سر میز غذا همیشه خوب است، البته وقتی میزبان آنها را بپذیرد. این جمله‌ی صریح، آنها را به خود جذب می‌کند.

انسان باید فروتن بودن را بیاموزد. و اگر راه فروتنی را انتخاب کند، به تعالی خواهد رسید. دعوت عیسی در هدایت به این امر بسیار بسیار قوی است، وقتی که می‌گوید، برادران خود را دعوت نکنید.

دوستان را دعوت نکنید. همسایه‌های ثروتمند را دعوت نکنید. افراد فلج را دعوت کنید.

فقرا را دعوت کنید. لنگان را دعوت کنید. می‌بینید، عیسی در اینجا تلویحاً اشاره می‌کند که بر سر سفره مشارکت در پادشاهی خدا، همه مردم باید حضور داشته باشند.

با وجود این واقعیت که از فصل هشتم، توجه شما را به این واقعیت جلب کردم که در تمام این مدت، در مسیر عیسی به اورشلیم، زانی او را دنبال می‌کردند. عیسی هم به زندگی عادی و هم به زندگی اشراف اشاره می‌کند. عیسی هیچ گروهی از نهادهای اجتماعی یا بخش‌های اجتماعی را مستثنی نمی‌کند.

پادشاهی خدا شامل همه چیز می‌شود. یکی از چیزهایی که هنگام خواندن این متن در پس‌زمینه به گوش می‌رسد، سخنان حکیمانه‌ی امثال است که به نظر می‌رسد پڑوایی از آنچه عیسی در این متن مطرح می‌کند می‌باشد. امثال ۲۵، آیات شش تا هفت، بخوانید: خود را در حضور پادشاه مطرح نکنید یا در جایگاه بزرگان نایستید.

زیرا بهتر است به شما گفته شود، به اینجا بیایید تا اینکه در حضور اشراف، پایین‌تر قرار بگیرید. عیسی آنچه را که قرار است نجابت و احترام فرهنگی باشد، تعلیم می‌دهد، اما در جایی که مردم شیفته‌ی آبرو هستند می‌توانند خود را منصوب کنند و جایگاه خود را به خطر بیندازند. رعایت ادب و نزاکت در پادشاهی خدا متفاوت است.

سپس عیسی درباره دعوت به ضیافت صحبت می‌کند و در ادامه به صحنه‌های صرف غذا، برخی از چیزهایی که می‌توانند پدیدار شوند و درس‌هایی که می‌توان در رابطه با پادشاهی خدا از آنها استخراج کرد، می‌پردازد: آیه ۱۵ و من خواندم، وقتی یکی از کسانی که با او سفره نشسته بود، این چیز را خورد، به او گفت خوشا به حال هر که در پادشاهی خدا نان بخورد. و به او گفت: مردی ضیافت بزرگی ترتیب داد و بسیاری را دعوت کرد.

و در آن زمان، و در زمان ضیافت، خادم خود را فرستاد تا به دعوت‌شدگان بگوید: «بیایید، زیرا اکنون همه چیز آماده است.» اما همه شروع به عذر آوردن کردند. اولی به او گفت: «من زمینی خریده‌ام

. باید بروم بیرون و آن را ببینم. لطفاً مرا ببخشید. دیگری گفت که پنج جفت گاو خریده‌ام

و من می‌روم تا آنها را بررسی کنم، لطفاً مرا ببخشید. و دیگری گفت: «من زنی گرفته‌ام و از این رو نمی‌توانم بیایم.» پس غلام آمد و این امور را به آقای خود گزارش داد.

، آنگاه صاحبخانه خشمگین شد و به خدمتکارش گفت: «زود به کوچه‌ها و خیابان‌های شهر برو و فقیران معلولان، نابینایان و لنگان را بیاور.» به نام افرادی که در مثل قبلی ذکر شده‌اند، توجه کن. خدمتکار گفت: «آقا، آنچه دستور داده بودید انجام شد و هنوز جا هست»

و ارباب به خدمتکار گفت که به شاهراه‌ها و کوچه‌ها برود و مردم را به زور به خانه‌ام بیاورد تا خانه‌ام پر شود. زیرا به شما می‌گویم، هیچ یک از دعوت‌شدگان، طعم ضیافت مرا نخواهند چشید. در این مثل ضیافت، مشاهده می‌کنیم که عیسی در واقع به نحوی خاص است. گفته‌ی دیگری باعث می‌شود که مثلی آورده شود.

یکی از مهمانان درباره نعمت‌هایی برای کسانی که می‌توانند در پادشاهی خدا از غذا لذت ببرند صحبت می‌کند و همین موضوع جرقه این ماجرا را می‌زند، جایی که عیسی درباره ضیافتی صحبت می‌کند. به سه نفری که ابتدا دعوت شده بودند و بهانه آوردند توجه کنید.

آنها افراد مناسبی بودند که باید در ضیافت حضور می‌داشتند. اما هر سه نفرشان بهانه‌هایی داشتند. این بهانه‌ها باعث عصبانیت شد و من متوجه واکنش احساسی میزبان شدم.

از روی خشم و ناامیدی، دستور می‌دهد که گروه دوم مدعوین را بیاورند. اینها مطرودین اجتماعی هستند. اینها فقرا، معلولین و لنگان هستند.

و خدمتکار رفت و آنها را به داخل دعوت کرد. و سپس ادامه داد و گفت که جا هست. او گفت، حالا برو و یک گروه دیگر را هم بیاور.

به لحن کلامش توجه کنید، می‌گوید: «آن افراد بیرون را مجبور کنید که بیایند داخل. اینها افرادی هستند که در غیر این صورت احساس لیاقت حضور در چنین گردهمایی را ندارند.» اکثر ما فکر می‌کنیم که این حرف به غیریهودیان اشاره دارد.

اما توجه کنید که عیسی در این مثل چه چیزی را نمی‌گوید. عیسی نمی‌گوید که سه گروه اول کاملاً حذف شده‌اند. این مثل اغلب برای درک این موضوع خوانده می‌شود که عیسی برخی از یهودیان یا برخی از اشراف را به ضیافت دعوت کرد و چون آنها شکست خوردند، افراد دیگری را جایگزین آنها کرد.

شاید با خواندن بهتر این متن، بتوان فهمید که چگونه عیسی با صحبت با این گروه از اشراف، سعی دارد افرادی را که قبلاً به عنوان افرادی که باید به چنین گردهمایی دعوت شوند، به میزبان دعوت کند. اگر این‌طور تفسیر کنیم، عیسی می‌گوید افرادی که با او نشستند، بهانه می‌آورند. اما او، چقدر آرزو می‌کند که آنها به لزوم آوردن افراد مطرود به جمع خود فکر کنند.

زیرا در پادشاهی خدا، هیچ کس مستثنی نیست. مطرودین جامعه، به حاشیه رانده شدگان، فقرا، معلولین، نابینایان و لنگان می‌توانند جای خود را در کنار خدا بیابند. حتی به غیر یهودیان نیز در پادشاهی خدا جایی داده خواهد شد.

فکر می‌کنم جوئل گرین وقتی در انجیل لوقا می‌نویسد، آنچه را که در این تمثیل می‌گذرد، به خوبی خلاصه می‌کند و من نقل قول می‌کنم. در واقع، نکته به نظر می‌رسد این است که اکنون با کار بر اساس درک متحول‌کننده‌ای از روابط اجتماعی، این صاحبخانه هر کسی را در میان مهمانان سفره خود قرار می‌دهد، که هیچ کس آنقدر قوی یا آنقدر بدبخت نباشد که به عنوان دوست سر سفره به حساب نیاید، بنابراین ردیف‌ها و کوچه‌های شهر محل سکونت افراد کم‌درآمد خواهد بود، چه به دلیل شغل منفورشان، میراث خانوادگی‌شان، ناپاکی مذهبی‌شان، فقرشان یا دلایل دیگر. می‌بینید، این، استاد داستان عیسی را به عنوان نمونه‌ای از نخبگانی معرفی می‌کند که نصیحت قبلی عیسی را جدی گرفته و از کسانی که عموماً با وضعیت ننگین و طردشان از حلقه‌های قدرت و امتیاز تعریف می‌شوند، مهمان‌نوازی کرده است. به عبارت دیگر عیسی می‌تواند با میزبان و دیگران صحبت کند که در واقع، در پادشاهی خدا، همه این گروه از مردم باید بتوانند جایی در یک سفره، یک دعوت، داشته باشند.

عیسی، با دانستن اینکه این موضوع چقدر می‌تواند برای مخاطبانش ناراحت‌کننده باشد، در ادامه آنها را به چالش می‌کشد تا هزینه و شرایط شاگردی را درک کنند. زیرا اگر آنها بفهمند که جایی برای فقرا، لنگان، نابینایان، معلولان و غیریهودیان در میانشان وجود دارد، خواهند فهمید که شاگردی در پادشاهی خدا کار آسانی نیست. اکنون جمعیت زیادی او را همراهی می‌کردند و او رو به آنها کرد و گفت: «اگر کسی نزد من بیاید و از پدر و مادر و همسر و فرزندان و برادران و خواهران خود، حتی از جان خود، متنفر نباشد، نمی‌تواند شاگرد من باشد.»

هر که صلیب خود را بر دوش نکشد و از من پیروی نکند، نمی‌تواند شاگرد من باشد. زیرا کدام یک از شما که بخواهد برجی بسازد، نخست نمی‌نشیند و هزینه آن را برآورد نمی‌کند که آیا به اندازه کافی برای تکمیل آن دارد؟ در غیر این صورت، وقتی پایه‌ای گذاشت و نتوانست آن را تمام کند، هر که آن را می‌بیند، شروع به تمسخر او می‌کند و می‌گوید: «این مرد شروع به ساختن کرد و نتوانست آن را تمام کند.» یا کدام پادشاهی است که برای جنگ با پادشاه دیگری می‌رود، نخست نمی‌نشیند و نمی‌اندیشد که آیا با ده هزار نفر می‌تواند با کسی که با بیست هزار نفر به جنگ او می‌آید، مقابله کند؟ یا اگر نه، در حالی که دیگری هنوز بسیار دور است، هیئتی می‌فرستد و شرایط صلح را جویا می‌شود. بنابراین، هر یک از شما که از تمام دارایی خود دست نکشد، نمی‌تواند شاگرد من باشد.

نمک خوب است، اما اگر نمک طعم خود را از دست داده باشد، چگونه می‌توان آن را شور کرد؟ نه برای خاک و نه برای توده‌ی دستی نمک فایده‌ای ندارد. آن را دور می‌ریزند. هر که گوش شنوا دارد، بشنود.

عیسی در این آموزه‌ها، فریسیان، حقوقدانان و مخاطبانش را به چالش می‌کشد تا درک خود از شاگردی را مرور کنند و با هزینه‌های شاگردی کنار بیایند. در اینجا، به شما یادآوری می‌کنم که عیسی با برخی مسائل حیاتی سر و کار دارد. زمینه‌ای که در اینجا می‌توانید در لوقا ۲۵ پیدا کنید این است که لوقا موضوع سفر را طوری تنظیم می‌کند که بگوید عیسی هنوز در راه اورشلیم است و اکنون مخاطبان جمعیت زیادی هستند که باید با آنها سر و کار داشته باشد.

نکته دیگری که باید در اینجا مورد توجه قرار گیرد، مانع رابطه‌ای است که مردم در صورت تمایل به پیروی از او باید آن را بسنجند. این مخاطبان ممکن است شامل فریسیان و حقوقدانان باشند، اما لوقا می‌گوید که این جمعیت زیادی است، که به ما نشان می‌دهد که این جمعیت زیادی از مردم هستند، و در آنجا دوباره به آنها رو می‌کند تا چالشی را که قبلاً در مورد خویشاوندی و اولویت دادن به مأموریت پادشاهی بر خویشاوندی مطرح کرده بود، به آنها بدهد. عیسی می‌گوید که فرد باید آماده باشد تا وفاداری به پدر، مادر، همسر، فرزندان، برادران، خواهران و حتی خود را رها کند تا بتواند پیرو واقعی شود.

وقتی عیسی گفت که باید از پدر، مادر، همسر، فرزندان، برادران و خواهران خود متنفر باشید، لطفاً اجازه دهید منظورمان از نفرت، تحقیر، و از این قبیل چیزها نباشد. او پیشنهاد نمی‌کند که فرد از خانواده خود متنفر باشد. او پیشنهاد می‌کند که استفاده از زبان نفرت در اینجا به معنای کنار گذاشتن حس وفاداری و اولویت دادن به مأموریت پادشاهی است.

عیسی حضار را به چالش می‌کشد تا بهای شاگردی را در نظر بگیرند. شاگردی ممکن است شامل رنج باشد، و کسانی که می‌خواهند شاگرد عیسی باشند باید بهای آن را محاسبه کنند. محاسبه‌ی هزینه مانند یک سازنده‌ی خردمند است که قبل از شروع پروژه‌ی ساختمانی، هزینه را محاسبه می‌کند، و یک پادشاه در زمان جنگ، قبل از اینکه سربازان را برای رفتن و جنگیدن در جبهه‌ی نبرد بفرستد، هزینه را محاسبه می‌کند.

می‌بینید، محاسبه‌ی هزینه مهم است زیرا عیسی عنصر رنج را نیز معرفی می‌کند، به این معنی که فرد باید بداند که ممکن است برای پیروی از او مجبور به حمل صلیب خود شود. لوقا آنچه را که قبل از نوشته‌های او اتفاق افتاده است، تکرار می‌کند، اینکه عیسی خواهد مرد، و از این نظر، حمل صلیب عیسی به معنای تحمل قربانی برای هزینه‌ی پادشاهی است. عیسی در تشبیه پادشاه به مردمی که به او گوش می‌دهند یادآوری می‌کند که حتی دارایی‌های مادی نیز ممکن است در زبان جنگ مانعی باشند و فرد باید قبل از درگیر شدن، هزینه را محاسبه کند.

عیسی بسیار نگران این است که مردم پادشاهی را به همان شکلی که هست بپذیرند، جایگاه پادشاهی را در اولویت قرار دهند و درک کنند که کسانی که در پادشاهی گنجانده می‌شوند شامل افرادی از همه حوزه‌های زندگی هستند. اما فراتر از افراد، اشیا و دارایی‌ها نیز می‌توانند مانعی در تلاش فرد برای یافتن جایگاهی در پادشاهی خدا باشند. در تشبیه نمک، عیسی سعی دارد بگوید که مردم باید از این واقعیت آگاه شوند که نمی‌توان نیمی از ذات خود را از دست داد و نیمی دیگر را حفظ کرد.

اگر نمکی خاصیت شوری خود را از دست بدهد، برای کود دادن یا نگهداری خوب نیست. عیسی می‌گوید: «هر یک از شما که از تمام داشته‌های خود دست نکشید، نمی‌تواند شاگرد من باشد.» «وای! هر یک از شما که از تمام داشته‌های خود دست نکشید، نمی‌تواند شاگرد من باشد.»

نمک خوب است، اما اگر نمک طعم خود را از دست داده باشد، چگونه می‌توان شوری آن را بازیابی کرد؟ متعهد شوید و کاملاً متعهد شوید. می‌بینید، من فکر می‌کنم لوک تیموتی جانسون جوهره این موضوع را به خوبی درک می‌کند وقتی می‌نویسد که تمثیل ضیافت و الزامات شاگردی در کنار هم، نکته یکسانی را در اینجا

بیان می‌کنند و اینکه دعوت خدا که توسط پیامبر صادر شده است باید تمام ادعاهای دیگر در مورد زندگی را نسبی کند. این تمثیل نشان می‌دهد که چگونه درگیری با افراد و چیزها می‌تواند بر رد دعوت تأثیر بگذارد.

این الزامات روشن می‌کند که انتخاب شاگردی دقیقاً مستلزم انتخاب علیه درگیری کامل در دارایی‌ها یا افراد است. در الزامات برای دارایی‌ها یا افراد. در این مورد چیز ملایم یا اطمینان‌بخشی وجود ندارد، اما من نحوه بیان جانسون را دوست دارم. اما همانطور که جمله آخر در مورد نمک نشان می‌دهد، هر شیوه شاگردی که سعی در انجام هر دو کار داشته باشد، سعی می‌کند تعریف شود، تعریفی که هم توسط دارایی‌ها و هم توسط دعوت پیامبر تعریف شود، مانند نمکی بدون طعم خواهد بود.

زیاد به درد نمی‌خورد. دور انداخته می‌شود. جانسون رابطه بین ضیافت و سیر شاگردی را به تصویر می‌کشد و سعی دارد القا کند که منظور عیسی همین بوده است.

وسواس و درگیری در اموال و افراد و همه این موارد نمی‌تواند به مردم اجازه دهد تا به طور کامل در آنچه خدا در پادشاهی خدا انجام می‌دهد، مشارکت کنند. اگر دوست دارید، فصل ۱۴ در گفتمان هنگام صرف غذا، جایی است که عیسی راهی برای به چالش کشیدن چگونگی جستجوی عزت در فرهنگی که مردم در آن وسواس عزت و شرم دارند، پیدا می‌کند - فروتنی را به عنوان یک فضیلت والا به چالش می‌کشد.

به چالش کشیدن شاگردان بالقوه، فریسیان و حقوقدانان برای درک این نکته که درک این نکته مهم است که گردهمایی‌ها در پادشاهی خدا شامل حاشیه‌نشین‌ترین و مطرودترین افراد جامعه نیز می‌شود. بله، شاگردی واقعی باید اولویت خود را تغییر دهد. این اولویت شامل مشارکت مردم و تعهد به دارایی‌های مادی است.

عیسی ما را به ترک تمام روابط با مردم فرا نمی‌خواند، اما ما را نصیحت می‌کند و به ما توصیه می‌کند که رابطه خود با خدا و خواسته‌های پادشاهی را در روابط انسانی در اولویت قرار دهیم. او نمی‌گوید که بودن در پادشاهی معادل فقیر بودن است. نه، اما می‌گوید کسانی که از نعمت بیشتری برخوردارند باید درک کنند که یکی از اصول پادشاهی، دعوت از افراد فقیر، حاشیه‌نشین، مطرود، لنگ، فلج و نابینا به سفره است.

او نمی‌گوید که حضور در پادشاهی باید منجر به بی‌آبرو شدن کسی شود. نه، او سعی دارد بگوید که بله جایگاه افتخار در پادشاهی نیز مهم است، اما مردم در پادشاهی باید فروتنی پیشه کنند و آن فروتنی به طور طبیعی منجر به ارتقای جایگاه اجتماعی آنها می‌شود که به آنها افتخار مطلوب را می‌دهد. می‌بینید، محاسبه هزینه شاگردی، اگر جدی گرفته شود و به همان شکلی که هست درک شود، ما را به زندگی‌ای می‌رساند که خود عیسی داشت.

هر کسی که می‌خواهد پیرو واقعی او باشد، باید آماده باشد تا نه با اکراه، بلکه با تمام وجود، با تمام وجود و با تمام وجود، متعهد شود و تمام تلاش خود را برای انجام اراده‌ی استاد به کار گیرد. من این سخنرانی را با معرفی اهمیت زمان صرف غذا آغاز کردم و به نظر می‌رسید که قرار است در مورد زمان مهمانی و نحوه‌ی خوشگذرانی و لذت بردن از غذا صحبت کنیم. بله، اینطور شد، اما طبق معمول، دیدیم که زمان صرف غذا فرصتی شد تا عیسی معرفی کند چه کسانی را در برنامه‌ی خود بگنجانند.

در خدمت عیسی، همه مهم هستند. می‌بینید، من در نیجریه گفته‌ام که اگر مسیحی هستید، باید بدانید که یوروباه‌ها با ایگبوه‌ها به یک میز شام دعوت می‌شوند. هوساها و ایگبوه‌ها به میز شام یوروباه‌ها دعوت می‌شوند.

اگر از غنا ما را دنبال می‌کنید، بدانید که در پادشاهی خدا، میز آکان از نوگناها، ایگبوه‌ها، هوساها و هر قبیله‌ای که بتوانید تصور کنید، دعوت می‌کند. هیچ کس مستثنی نیست. از نظر نژاد، سفید، سیاه، قهوه‌ای

زرد، هر چه که فکرش را بکنید، مودار یا بی‌مو، بلند قد یا کوتاه قد، همه به میز شام پادشاهی خدا دعوت شده‌اند.

پادشاهی خدا، خدایی است که در جهان در حال کار است، جایی که خدا به سوی مردم و همه افرادی که به تصویر و شباهت خود آفریده است، دست یاری دراز می‌کند. الزامات پادشاهی مستلزم آن است که ما دارایی‌ها را بر مردم، مقام و منزلت را بر افراد عادی ترجیح ندهیم. خدا به همه علاقه دارد و امیدوارم که همراه با من، در کار مسیحی خود تلاش کنیم تا به الزامات پادشاهی که در این سخنرانی هنگام صرف غذا بیان می‌شود، توجه کنیم تا بتوانیم هزینه شاگردی را محاسبه کنیم.

ممکن است درک کنیم که گاهی اوقات ممکن است شامل رنج باشد، ممکن است شامل تحقیر عمومی باشد، اما ما همچنان انتخاب می‌کنیم که پیرو عیسی باشیم و ببینیم خدا در زندگی ما چه کاری می‌تواند انجام دهد می‌دانید، من آهنگ مدرسه یکشنبه را دوست دارم، که عمیقاً افکار من را وقتی در مورد هزینه شاگردی و عزم فکر می‌کنم خلاصه می‌کند. من تصمیم گرفته‌ام از عیسی پیروی کنم، بدون هیچ راه برگشتی.

من تصمیم گرفته‌ام که از عیسی پیروی کنم، بدون هیچ راه برگشتی و بدون هیچ بازگشتی. باشد که این سرود شما باشد، باشد که این عزم شما نیز باشد. از شما بابت همراهی با ما در این سخنرانی‌ها متشکرم، در حالی که در این گفتمان هنگام صرف غذا به هزینه پیروی از عیسی فکر می‌کنیم.

متشکرم.

من دکتر دنیل کی. دارکو هستم در حال تدریس در مورد انجیل لوقا. این جلسه ۲۳، سخنرانی‌های هنگام صرف غذا در مورد پادشاهی، لوقا ۱۴ است.